

فرار هر می‌ها پس از اخادی از خانواده‌سرباز

اعضای شرکت هر می‌که در پوشش استخدام فارغ‌التحصیلان دست به گروگان‌گیری می‌زند، پس از زها که درن سرباز و طبقه متواری شدند.

به گزارش «جوان»، چند روز قبل مرد میانسانی در تهران سراسیمه به اداره پلیس رفت و از ناپدید شدن ناگهانی پسر جوانش شکایت کرد.

شاکتی در توضیح ماجرا گفت: «من همراهِ خانواده‌ام در یکی از شهرهای اطراف کرج زندگی می‌کنم. پسرم ابراهیم سرباز است و روزهای پایانی خدمتش را در یکی از پادگان‌ها سپری می‌کرد که چند روز قبل متوجه شدم او مرخصی گرفته و از پادگان خارج شده‌است. او به مادرش گفته بود که برای پیدا کردن کار به تهران می‌رود، اما بعد از آن تلفن همراهش خاموش شد و دیگر از او خبری نماندیم و الان نگارش هستیم و احتمال می‌دهیم برای او اتفاق بدی رخ داده باشد.»

اخادی ۲۰۰ میلیون تومانی

با طرح شکایت مرد میانسال پرونده به دستور قاضی حاکم‌حسین صادقی‌زاده باز پرس شعبه هفتم دادسرای امور جنایی تهران برای رسیدگی در اختیار تیمی از کارآگاهان پلیس آگاهی قرار گرفت.

در حالی که یک هفته از تحقیقات جنایی گذشته بود و مأموران هم هیچ ردی از پسر ۲۰ ساله پیدا نکرده بودند، شاکتی دوباره به اداره پلیس رفت و اعلام کرد پسرش در دام اعضای باند گروگانگیران گرفتار شده‌است.

وی گفت: «چند روز قبل پسرم با من تماس گرفت و گفت از سوی چند نفر گروگان گرفته شده‌است و باید برای آزادی‌اش مبلغ ۲۰۰ میلیون تومان به کارت‌ش واریز کنیم. او خیلی ترسیده بود و پشت گوشی گریه می‌کرد و از من خواست با پلیس تماس بگیرم و فقط برایش پول واریز کنم، چون جانش در خطر است. من از ترس در چند مرحله پول را فراموش به حساب پسرم واریز کردم و بعد هم متوجه شدم از حساب او برداشت شده‌است، اما گروگانگیران پسرم را آزاد نکردند.»

وی ادامه داد: «الان دوباره گروگانگیران با من تماس گرفته‌اند و دوباره قصد اخادی دارند و به همین خاطر به اداره پلیس آمدم تا مأموران را در جریان قرار دهم.»

با به دست آمدن این اطلاعات، مأموران تحقیقات خود را ادامه دادند و در یافتن سرباز و طبقه در دام اعضای شرکت هر می گرفتار شده‌است که سرگرد آن هر چند روز با خانواده پسر گمشده تماس می‌گیرد و برای آزادی او درخواست پول می‌کند.

رهای پسر برنده شده

بدین ترتیب، تحقیقات برای شناسایی سرکرده شرکت هر می و محل نگهداری پسر گمشده از سوی مأموران ادامه داشت تا اینکه با خبر شدن آدم‌ربایان گروگان را در یکی از خیابان‌های جنوبی تهران رها کردند.

گروگان آزادشده وقتی از سوی مأموران مورد تحقیق قرار گرفت، در توضیح ماجرا گفت: «مدتی بود دنبال کار می‌گشتم و می‌خواستم وقتی سربازی‌ام تمام شود، شغلی برای خودم دست و پا کرده باشم. چند روز قبل از حادثه با پسر جوانی آشنا شدم که گفت با مدیر شرکتی دوست است و می‌تواند مرا ابتدا به صورت پیمانی و قراردادی و بعد از اینکه سربازی‌ام تمام شد، به صورت رسمی در یکی از نیروگاه‌ها بری استخدام کند. او با حرف‌هایش مرا فریب داد و من هم‌راه او به خانه‌ای در جنوب تهران رفتم. در آنجا با چند نفری ملاقات کردم و سپس چشم‌ام را بستند و از آنجا به خانه دیگری منتقل کردند که نفهمیدم آنجا کجا است. آنها از من خواستند برای سرمایه‌گذاری از خانواده‌ام مبلغ ۲۰۰ میلیون تومان بگیرم. وقتی به آنها گفتم من پولی ندارم، تهدید کردند که گروگان آنها هستند و تا زمانی که این مبلغ را به آنها ندهم، آزاد نمی‌شوم. غیر از من تعداد جوان دیگری هم در آنجا حبس بودند و بعد فهمیدم آنها هم مثل من جوایبی کارای بودند و به پنهانه استخدام در دام آنها گرفتار شده‌اند.»

وی ادامه داد: «همه ما تلاش می‌کردیم برای رهایی از دام گروگان‌ها، از خانواده‌هایمان پول بگیریم و هر کسی زودتر پول را فراهم می‌کرد، زودتر آزاد می‌شد. من ۲۰۰ میلیون تومان گرفته بودم، اما آنها پول بیشتری می‌خواستند، ولی وقتی فهمیدند پدرم شکایت کرده‌است از ترس مرا چشم بسته در یکی از خیابان‌های شهر رها کردند.»

تحقیقات برای شناسایی متهمان از سوی مأموران پلیس ادامه دارد.

مرگ ۵ سرنشین پژو در واژگونی خودرو

واژگونی خودروی سواری پژو در محور خرم‌آباد به کوه‌شدت، پنج کشته برجای گذاشت.

به گزارش جوان، روز گذشته مأموران پلیس راه از حادثه رانندگی در محور خرم‌آباد به کوه‌شدت باخبر و در محل حاضر شدند. بررسی‌های اولیه نشان داد خودروی سواری به علت نامعلومی از مسیر اصلی منحرف و دچار حادثه شده‌است. در بررسی‌های بیشتر مشخص شد پنج سرنشین خودرو به علت شدت جراحات جانشان را از دست داده‌اند که اجساد به پزشکی قانونی منتقل شد. علت حادثه در دست بررسی است.



محبوبه قربانی

شمس‌السادات حسینی، پرستاری ۶۱ ساله بود که در بیمارستان‌های آزادی، شهریار، پیامبران واطفال امیر آلمان تهران به‌بیماران خدمت‌رسانی کرد تا اینکه دوم تیرماه‌امسال در جریان حادثه آتندگی دچار سانحه شد. خانم حسینی بعد از تصادف با یک دستگاه‌مو‌تورسیکلت‌به‌بیمارستان‌امام‌خمینی منتقل شد و

پرستاری که هم شمع بود و هم پروانه

اعضای بدن خانم پرستار به چند بیمار زندگی بخشید

تلاش پزشکان برای نجات جان وی به جریان افتاد. شدت جراحات آنقدر زیاد بود که تلاش‌ها نمری نداشت و بعد از ۱۶ روزهستری در بخش مراقبت‌های ویژه به‌کمافت. پیشنهاد اهدای عضو خیلی زود از سوی تک‌فرزند او پذیرفته شد. مرد جوان که دکترای زبان دارد در مصاحبه با «جوان» گفت: «هن کاری کرده‌ام که روح مادرم به آن کار راضی بود. من کارنامه مادرم را با انضباط ۲۰ تمام کردم.»

می‌کردم و همانطور که حرف می‌زد، دانه‌های اشک روی صورتش جاری شد.

لازم شد او را بیشتر بشناسیم. از خصوصیات اخلاقی‌اش بگویید.

مادرم به قول برادرش هم شمع بود و هم پروانه. او شغلش پرستاری بود، اما در زندگی خانوادگی هم پرستاری می‌کرد. مدتی پرستار پدرش بود و بعد پرستار مادر. چند سال قبل، یکی از برادرانش در یک سانحه تصادف زمینگیر شد. مادرم هم پرستارش بود، هم کمک‌خرج خانواده‌اش. مادرم گوش شنوای هر صدیایی برای کمک بود. وقتی برایم مشکلی پیش می‌آمد، ساعت‌ها تلفنی با او صحبت می‌کردم، مثل دو رفیق. مادرم در لحظه زندگی‌ام می‌کند و از استم. تصویب کارت ملی، شناسنامه، آدرس افراد سیم‌کارت یا دسته‌چک بگیرد و برای اعمال مجرم‌نامه دیگر از آنها استفاده کند. او همچنین در ذیل آگهی خود شماره حساب یا شماره کارتی را اعلام می‌کند و از جویندگان کار می‌خواهد هزینه اعلام‌شده را تحت عنوان کارمزد به شماره حساب‌های اعلام‌شده که در واقع شماره حساب‌های اجاره‌ای است واریز کنند.

افراد کلاهبردار عمدتاً مبلغ کم مثل ۱۰۰ یا ۲۰۰ هزار تومان را برای این کار پیشنهاد می‌دهند تا کسی رغبت نکند برای چنین مبلغی علیه او شکایت کند و پله‌های پلیس و دادسرا را بالا و پایین برود. او این مبلغ را در نظر گرفته تا شاکتی طلای پول را به لقایش ببخشد، اما آنجا که گفته‌اند قطر قطره جمع گردد و انگهی در یاد شود، خیلی از این تبهکاران با چنین مبلغی به افراد آمدنی میلیاری می‌رسند. شیوع کرونا و افزایش شدن کسب و کار دور کاری هم سبب بسیاری از سفارش‌دهندگان این دسته از آگهی‌ها: عنوان دور کاری برای جذب نیروی کار استفاده کنند. این دسته از فریبکاران با طرح این عنوان که از هر کجای ایران می‌توانید کسب درآمد کنید جویندگان کار را برای همکاری ترغیب می‌کنند و بعد از گرفتن اوراق هویتی جویندگان کار آنها را به واریز هزینه کارمزد ترغیب می‌کنند و دیگر به تماس‌های آنها جواب نمی‌دهند.

توصیه پلیس این بوده که جذب کارمزد رسمی برای مناسب دولتی مثل آموزش و پرورش و دادگستری همواره از سوی سازمان سنجش و امور استخدامی کشور انجام می‌شود و هیچ ارگانی برای جذب رسمی در آگهی‌های کاریابی آگهی نمی‌کند و بابت این موضوع هم هیچ هزینه‌ای دریافت نمی‌شود. دیگر اینکه سفارش دهندگان آگهی باید شماره تلفن ثابت و شناسایی پسندی خود را در آگهی درج کنند که جویندگان کار بتوانند با حضور در محل و بررسی مجوز قانونی فعالیت آنها از اصالت آگهی اطمینان پیدا کنند.

کشف ۶۵ سلبه جنگی در شهرستان دیواندره

فرمانده انتظامی استان کردستان از کشف ۶۵ قبضه اسلحه در شهرستان دیواندره خبر داد.

به گزارش جوان، سردار علی آزادی گفت: هم‌زمان با تلاش معاندان نظام برای گسترش ناامنی‌ها و اقدامات هنجارشکنانه، مأموران انتظامی شهرستان دیواندره از ورود محموله سلاح از مرزهای غربی برای انتقال ثابت و شناسایی پسندی خود را در آگهی درج کنند که جویندگان کار بتوانند با حضور در محل و بررسی مجوز قانونی فعالیت آنها از اصالت آگهی اطمینان پیدا کنند.

کشف ۶۵ سلبه جنگی در شهرستان دیواندره

فرمانده انتظامی استان کردستان از کشف ۶۵ قبضه اسلحه در شهرستان دیواندره خبر داد.

به گزارش جوان، سردار علی آزادی گفت: هم‌زمان با تلاش معاندان نظام برای گسترش ناامنی‌ها و اقدامات هنجارشکنانه، مأموران انتظامی شهرستان دیواندره از ورود محموله سلاح از مرزهای غربی برای انتقال ثابت و شناسایی پسندی خود را در آگهی درج کنند که جویندگان کار بتوانند با حضور در محل و بررسی مجوز قانونی فعالیت آنها از اصالت آگهی اطمینان پیدا کنند.

رهای گروگان پس از ۵۰ روز

مأموران پلیس شهرستان ابرانشهر در استان سیستان و بلوچستان پس از ۵۰ روز موفق به رهای گروگان جوان از دام آدم‌ربایان مسلح شدند.

به گزارش «جوان»، سرهنگ حسن کیخا، فرمانده انتظامی شهرستان ابرانشهر گفت: اول تیرماه‌امسال اعضای خانواده‌ای پلیس از رزودن جوان ۲۶ ساله با خبر کردند. بررسی‌ها نشان داد مردان مسلح که سوار بر خودروی پژو پارس بودند جوان ۲۶ ساله را از مقابل خانه‌اش برده و متواری شده‌اند. بعد از آن بود که تحقیقات برای بازداشت آدم‌ربایان به جریان افتاد.

مأموران پلیس در جریان بررسی‌های خود موفق شدند مخفیگاه سه نفر از آدم‌ربایان را شناسایی و آنها را بازداشت و در بازرسی از محل یک اسلحه کلت کمربی به همراه مهمات جنگی کشف کنند. ۵۰ روز بعد از حادثه و در شاخه دیگری از تحقیقات مخفیگاه متهم اصلی که گروگان را نگهداری می‌کرد، شناسایی شد. متهم که پلیس از آن بود که فهمیدم به علت ضربه فورت شده‌است که گروگان متواری شد. تحقیقات برای شناسایی متهم و بررسی انگیزه آدم‌ربایی جریان دارد.

اعتراف دهیار به قتل مرد روستایی

آرمین بینا

دهیار یکی از روستاهای منطقه کن و سولقان تهران که به اتهام قتل مرد روستایی تحت تعقیب قرار داشت، با زداشت شد و به جرمش اعتراف کرد.

روز یک‌شنبه ۲۳ مردادماه امسال قاضی ساسان غلامی، بازپرس ویژه قتل دادسرای امور جنایی تهران با تماس تلفنی مأموران پلیس از مرگ مشکوک مرد ۵۰ ساله‌ای در یکی از بیمارستان‌های غرب تهران باخبر و هم‌راه تیمی از کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی راهی محل شد. بررسی‌ها حاکی‌است آن داشت مقتول به نام هاشم که اهل یکی از روستاهای کن و سولقان است، ۹ مرداد امسال در درگیری با دهیار روستایشان با ضربه چاقو زخمی و برای درمان به بیمارستان منتقل شده، اما در نهایت پس از ۱۴ روز بستری بر اثر خونریزی شدید روی تخت بیمارستان فوت کرده‌است.

بازداشت قاتل فراری

بدین ترتیب جسد به پزشکی قانونی منتقل شد و مأموران پلیس، قاتل فراری به نام بهزاد ۴۰ ساله را تحت تعقیب قرار دادند تا اینکه چند روز قبل مخفیگاه وی را در یکی از شهرهای اطراف تهران شناسایی و او را بازداشت کردند. متهم پس از دستگیری به دادسرای امور جنایی تهران منتقل شد و در بازجویی‌ها به قتل اعتراف کرد. متهم در حالی که اشک می‌ریخت با اظهار پشیمانی از اولیای دم درخواست کرد او را به خاطر فرزندانش ببخشند. وی در ادامه به دستور بازپرس جنایی برای تحقیقات بیشتر در اختیار کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی قرار گرفت.

گفت‌وگو با متهم

بهزاد سابقه داری؟ نه من هیچ سابقه‌ای ندارم. تحصیلکرده‌ام و سرم به کار و درس و زندگی‌ام گرم بود.

در چه کاری مشغول بودی؟

من مهندسی عمران دارم و قبل از اینکه دهیاری روستا را به عهد بگیرم، پروژه‌های دولتی را به عنوان پیمانکار انجام می‌دادم تا اینکه آذرمه سال قبل دهیاری روستا را برعهده گرفتم، به خاطر تحصیلاتم شورای روستا پیشنهاد داد و من هم قبول کردم و از آنجایی که هیچ سوءسابقه‌ای نداشتم، بخشداری به حکم دهیاری مرا داد، اما متأسفانه الان قاتلم و نمی‌دانم چه سرنوشتی در انتظارم است.

مقتول از بستگان نزدیکت بود؟ بله.

چرا او را کشتی؟

مقتول در کار ساخت و ساز فعالیت می‌کرد و زمانی که من دهیار شدم به صورت غیرقانونی در روستا و اطرافش شروع به ساخت و ساز کرد. فکر نمی‌کرد من مانع کار خلاف او شوم و با خودش می‌گفت چون از بستگانم است، شاید از خلاف او چشم‌پوشی کنم، او ساخت و ساز خود را در زمین‌های منابع طبیعی انجام می‌داد. البته ابتدا به او چند بار تذکر دادم و خواستم مانع کارهای خلافش شوم، اما وقتی دیدم به تذکرها من توجهی نمی‌کند موضوع را به سازمان‌های مربوطه گزارش دادم و آنها هم مانع فعالیت غیرقانونی او شدند. من به وظیفه قانونی خود عمل کردم، اما او وقتی فهمید قانونی ناراحت شد و همین موضوع باعث اختلاف‌مان شد و در نهایت درگیری مرگباری رخ داد.

درباره روز حادثه توضیح بده؟

روز حادثه با مقتول و تعدادی از بستگان و دوستانش در روستا روبه‌رو شدم. او خیلی عصبانی بود و گفت چرا موضوع را به مسئولان بالاتر گزارش کرده‌ام و با من درگیر شد. او و دوستانش مرا مقابل چشمان خانواده‌ام به شدت تک‌زند و من از دست آنها فرار کردم و به طرف ماشینم رفتم. در نزدیکی ماشین، پسر خردسالم را نگران دیدم که گفت های چرا کتکت زنده، حرف پسرم روی من تأثیر گذاشت. چاقویی از داخل خودرویم برداشتم و به مقتول حمله و او را زخمی کردم.

شما فرد تحصیلکرده‌ای هستی، چرا چاقو همراه خودت داشتی؟

چند روز قبل برای قربانی کردن گوسفند، چاقو را از خانه برداشتم و داخل ماشینم گذاشتم و بعد فراموش کردم به خانه برگردانم و داخل ماشینم مانده بود تا اینکه روز حادثه با آن حادثه‌ای خونین را رقم زدم. وی کاش چاقو را در خانه می‌گذاشتم و آن روز دستم به چاقو نمی‌رسید.

در این مدت کجا مخفی بودی؟

من از ترس از روستا فرار کردم و به خانه یکی از بستگانم در یکی از شهرهای اطراف رفتم. فکر می‌کردم او حالم بهتر شود و بعد با میانجیگری ریش سفیدان و بستگان با هم آشتی کنیم. هر روز منتظر خبر خوش بودم، اما پس از دو هفته متوجه شدم فوت کرده‌است. به همین خاطر ترسیدم خودم را به پلیس معرفی کنم تا اینکه مخفیگاهم شناسایی و دستگیر شدم. البته در این مدت بزرگان و ریش سفیدان را واسطه فرار دادم با خانواده‌اش صحبت می‌شد. الان خیلی پشیمانم و امیدوارم اولیای دم مرا ببخشند.

قتل پسر دوستی با یک دختر

حضور بازپرس در محل و انتقال جسد به پزشکی قانونی بررسی‌ها برای شناسایی عامل جنایت به جریان افتاد. تحقیقات میدانی نشان داد که عامل حادثه پسر نوجوان است که خیلی زود تحت تعقیب قرار گرفت. در بررسی‌های بعدی معلوم شد متهم قصد خروج فریقانونی از کشور او دارد که بازداشت شد.

متهم بعد از انتقال به پلیس آگاهی به جرمش اعتراف کرد. او در شرح ماجرا گفت: مدتی بود که متوجه شده‌بودم مقتول برای دختر مورد علاقه‌ام ایجاد مزاحمت می‌کند برای همین به او هشدار دادم. روز حادثه هم در پارک او را دیدم و سر این‌س موضوع با هم درگیر شدیم. وقتی مشاجره ما بالا گرفت من دستم به چاقو بردم و به او ضربه زدم و او محل فرار کردم.

بعد از آن بود که فهمیدم به علت ضربه فورت شده‌است که ترسیدم و قصد فرار از کشور را داشتم که بازداشت شدم. تحقیقات بیشتر در این باره جریان دارد.

مفقودی

برگه کمپانی و برگه سبزی و بنچاق محضری خودرو سواری تویوتا کمبری GLX۲۴۰۰ به رنگ سفید روغنی مدل ۲۰۰۸ به شماره موتور ۲AZA۵۵۵۲۴۳ و شماره شاسی ۶T1BE۴۲K۶AX۵۳۰۵۳۹ و شماره پلاک ۴۳۹/۱۲۲/ایران ۴۴ به نام فرزاد گرجی مفقود گردیده و فاقد اعتبار است. اتف‌ل

مفقودی

برگ سبزی خودرو سواری هیوندای ۲۸۰۰ اتوماتیک کوپه مدل ۲۰۱۱ به شماره شاسی KMHHU۶۱HBBU۰۴۰۲۶۳ و شماره موتور G۶DAA۵۰۴۵۹۷ و شماره پلاک ایران ۵۸۶/۳۵/۹۳ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط است. تبریز

مفقودی

اصل شناسنامه دستگاه چاپ پلیت‌ستر سوپر استر هایبرگ ۴،۵ ورقی به شماره ۷۰۶۴۲۰۰۳۴۲ کد دستگاه ۱۱۸ سال ساخت ۲۰۰۶ متعلق به چاپخانه خوارزمی (رضا دیباچ) مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط است. تبریز

سازمان آگهی‌های

روزنامه جوان

تلفنی آگهی می‌پذیرد

۸۸۴۹۸۴۵۸